



اضطراب، احساس حقارت، توهین، از خود بیگانگی، نفرت از خود، تلاش برای دروغ‌سازی، فریب، تظاهر و اشتباک برای مورد تأیید قرار گرفتن. اینها گوشه‌های از آسیب‌هایی است که هر روز در فضای مجازی می‌چشمیم و حتی واقف بر آن هم نیستیم. فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بی‌شک از وضعیت فعالیت افراد جامعه در دنیای واقعی و فیزیکی متأثر است.

بخشی از شکل روابط و نوع تعاملات و حتی آسیب‌هایی که در دنیای واقعی وجود دارد در فضای مجازی نیز نمود یافته و در قالب‌های جدیدی خود را نشان می‌دهد. جریان رفتاری حاکم بین کاربران در فضای مجازی البته پیچیده‌تر از دنیای ملموس است. به دلیل اینکه هنوز زیرساخت‌های تعریف شده در شبکه‌های اجتماعی به حدی نیست که بتواند راه‌های فرار مسئولیت‌پذیری را سد کند. در فضای مجازی ما شاهد بازتولید هویت و شخصیت‌هایی هستیم که ممکن است با من واقعی متفاوت و تنها و پرتینتی از آنچه نمایم داریم، باشد. رفتارها نیز به همین ترتیب است. تا جایی که کاربران بسیاری از رفتارها و رویدادهای فضای مجازی آسیب‌های بی‌بازگشت داشته‌اند. به عنوان مثال نبود چهارچوب رفتاری در فضای مجازی و برخورد قانون با موارد صریح جرم موجب شده تا بسیاری از آسیب‌های روانی از سوی کاربران به یکدیگر تحمیل شود. شما به دنبال ارائه عقاید و ایجاد تعامل هستید اما در نهایت بداخلاقی‌های بسیاری را متحمل می‌شوید یا حتی ممکن است خودتان به دیگری تحمیل کنید. پیام دادن با اسم ناشناس، مشاهده پیام و پاسخ ندادن، تظاهر به ندیدن پیام در پلتفرم‌هایی که آخرین مراجعه فرد نامشخص است یا توانایی حذف اطلاعاتی که ارسال یا دریافت کرده‌اید، مصادیقی از رفتارهای تهنی از اخلاق است که به سادگی هر روز انجام می‌شود. این در حالی است که مجموع این رفتارها موجب می‌شود از روابط مجازی و کاربران دیگر غریبه‌تر شوید و در نهایت نیز بدون آنکه بدانید دچار زوال رابطه و خروج از آن شده باشید. پلتفرم‌ها در تلاش هستند گروهی از اصول اخلاقی و رفتاری را ترسیم کرده و کاربران را نیز ملزم به رعایت آن کنند. از جمله ممانعت از انتشار محتوای آزاردهنده شامل خشونت یا محدودیت در عضویت و فعالیت کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی و مواردی از این دست. اما چنان که ذکر آن رفت پیچیدگی روابط مجازی به حدی گسترده است که حضور در فضای مجازی پختگی اخلاقی و رفتاری لازم را می‌طلبد؛ پختگی‌ای که باید با آگاهی از تبعات رفتارهایی که با دیگران داریم حاصل شود. هرآنچه برای خود نمی‌پسندید برای دیگران نپسندید.



پیام دادن با اسم ناشناس، مشاهده پیام و پاسخ ندادن، تظاهر به ندیدن پیام در پلتفرم‌هایی که آخرین مراجعه فرد نامشخص است یا توانایی حذف اطلاعاتی که ارسال یا دریافت کرده‌اید، مصادیقی از رفتارهای تهنی از اخلاق است که به سادگی هر روز انجام می‌شود.

زندگی مجازی، چگونه باید زندگی کرد؟



در سال ۱۹۷۱ برای آزمایش نظریه اینشتین، دو ساعت اتمی، یکی در فرودگاه به صورت ثابت و یکی در هواپیما مسافری که پرواز می‌کرد قرار دادند و در کمال تعجب پس از بازگشت هواپیما متوجه یک اختلاف چند میلیونیم ثانیه شدند، دقیقاً همان چیزی که اینشتین گفته بود.

واقعی بین دو رویداد که توسط یک ساعت اندازه‌گیری می‌شود شامل هر دو رویداد نیز می‌شود. یعنی زمان مناسب نه تنها به خود وقایع بستگی دارد، بلکه به حرکت زمان بین دو رویداد هم بستگی دارد.

در واقع یک رویداد هم مکان است و هم زمان و می‌تواند توسط یک نقطه خاص در فضا-زمان نشان داده شود.

بنابراین فضا-زمان به عنوان یک کل می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از تعداد نامحدودی حوادث مورد توجه قرار گیرد. نظریه اینشتین می‌گوید: «گذشته و آینده وجود دارند. در حقیقت، گذشته، حال و آینده برای یک جسم خاص (مثل انسان) در یک زمان خاص قابل دسترس است. زمان تنها دنباله‌ای است از وقایعی که در حال رخ دادن هستند. اگر فضا-زمان را به صورت یک تکه نان بزرگ فرض کنیم، همان گونه که تکه نان را می‌توان به روش‌های مختلفی برش داد، در فضا-زمان هم می‌توان برش‌های مختلفی از زمان حال ایجاد کرد. در واقع افراد با سرعت‌های متفاوت در برش‌های متفاوتی از زمان حال قرار دارند و در نتیجه اتفاقاتی را که به صورت هم‌زمان می‌بینند متفاوت است.

زمان برایش کندتر خواهد شد، این یعنی حرکت بر زمان تأثیر دارد؛ به عبارت بسیار ساده زمانی که شما حرکت می‌کنید زمان شما کند می‌شود، مثلاً اگر شما با یک هواپیما سفر کنید و دوست شما در خانه بماند زمان شما کندتر خواهد گذشت.

در سال ۱۹۷۱ برای آزمایش نظریه اینشتین دو ساعت اتمی، یکی در فرودگاه به صورت ثابت و یکی در هواپیما مسافری که پرواز می‌کرد قرار دادند و در کمال تعجب پس از بازگشت هواپیما متوجه یک اختلاف چند میلیونیم ثانیه شدند، دقیقاً همان چیزی که اینشتین گفته بود.

بر اساس نظریه اینشتین جاذبه هم مانند حرکت می‌تواند بر زمان اثر بگذارد و گذر آن را آهسته کند، در حقیقت هر چقدر که جاذبه بیشتر شود زمان کندتر خواهد شد. ثابت شده است برای کسی که در طبقه اول یک برج زندگی می‌کند با کسی که در پنت‌هاوس زندگی می‌کند زمان کندتر می‌گذرد. چون جاذبه در نزدیک زمین قوی‌تر است.

همچنین هرمان مینکوفسکی مفهوم نسبیت زمان مناسب (زمان هماهنگی) را معرفی کرد. بر اساس این تفسیر زمان

